

## به مناسبت هشتاد و هشتمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان



بدینوسیله بهترین تمنیات و شاد باش های خود را به مناسبت هشتاد و هشتمین سالروز استرداد استقلال میهن عزیز به همه هم میهنان گرامی چه در داخل مرز و چه خارج از آن تقدیم مینمایم و در امر اتحاد و همبستگی مردمان آزاده میهن بخاطر رفع خشونت و ایجاد جامعه مرفه و آرام تحت یک پرچم واحد صلح و صفا از بارگاه ایزد متعال استدعای موفقیت و کامیابی مینمایم.

طوریکه هموطنان گرامی آگاهی دارند، هشتاد و هشت سال قبل از امروز در دوران سلطنت غازی امیر امان الله خان پسر امیر حبیب الله خان بتاريخ ۲۸ - اسد سال ۱۲۸۹ هجری شمسی ارتش دولت بریتانیای وقت یعنی دولت استعمارگر و استثمارگر انگلیس با پذیرش استقلال افغانستان، این کشور را ترک کرد. دول استعمارگر در طول سده های تاریخ منجمله دولت بریتانیا بنابر خصلت بنیادی وابسته به نظام امپریالیستی جهانی، همیشه در تلاش بوده تا کشور های وابسته به جهان سوم را با بکار بردن انواع سیاست های مغرضانه به نحوی از انحا مورد بهره کشی قرار دهند. تحت استعمار رفتن کشور پهناور هندوستان طی بیش از یک قرن تاریخی که بنام «هند بریتانوی» مسمی گردیده بود و همچنان استعمار کشور های افریقای جنوبی از طرف دول فرانسه و انگلیس با بکار بردن شیوه ها و سیاستهای اپارتاید و بهمین شکل سه بار لشکر کشی دولت انگلیس بسرزمین آزاده افغان که در تاریخ وطن بنام «جنگهای افغان و انگلیس» معروف است نمودی از خصلت این دول استعمار گر بشمار میرود.

حصول آزادی و استرداد استقلال، یک امر خود بخودی نبوده بلکه محصول خونبهای هزاران هزار اولاد قهرمان این سرزمین شیرمردان میباشد که ناچارانگلیس این ارتجاعی ترین کشور را بزانو درآورد تا اینکه مجبوراً استقلال میهن ما را به رسمیت شناختند. اگرچه از آن تاریخ به بعد ملت نجیب افغان در عرصه ملی و بین المللی بحیث یک کشور مستقل و آزاد متبازر گردید ولی دول ارتجاعی خاصتاً انگلیس

باساس این شعار کهنه استعماری اش که "تفرقه انداز و حکومت کن" دست از سر میهن عزیز و مردمان شرافتمند آن برداشتند و همیشه با تبلیغات زهر آگین و با استفاده از انواع تفتین در همه امور حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور ما بمداخلات بیشرمانه دست یازیده اند و با همکاری و اعزام ایجنت ها و دست نشانده گان شان ملت ما را از شاهراه ترقی و تعالی خاصاً جنبش دوره امانیه بدور نگهداشتند.

شاه امان الله خان غازی که خود جوان مبتکر و یک شخصیت ملی بود و برای آزادی و استقلالیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورش اندیشه های نیک ملی در سر داشت توسط تبلیغ خطر کفر و الحاد از صحنه سیاسی و مقام سلطنت بدور انداخته شد اعزام دوشیزه های جوان افغان غرض تحصیل طبابت بخارج از کشور بخاطر خدمت به بانو های افغان، و خصلت خود ارادیت شاه امان الله باعث این گردید تا دسته های از مذهبیهون افراطی را چون دوران فعلی بخشم آورد و همان بود که تحت پوشش دین و مذهب مقدس اسلام که تحصیل را حق قانونی و لازمی زن و مرد دانسته است برانگیزد باین اساس دوره های تاریخ درخشان وطن دستخوش توطیه های انگلیس شد و با رویکار شدن نظام های سلطنتی بعدی یعنی دوره خاندان اهل یحیی "نادر شاه، ظاهر شاه و پسران عمو و وابستگان دیگرش بمقام ها و پستهای حساس دولتی و سلطه بنیاد گرایان این سرزمین آزاده زیر یوغ غیر مستقیم ارتجاع یعنی همان انگلیس کهنه کار استثمارگر و آشنای قدیم این مرز و بوم قرار داد. ولی در وطن محبوب ما همیشه خصلت های آزادمنشانه برهبری جوانان رزمنده ای آن متبارز بود اگرچه دست نشانده گان انگلیس در طی حاکمیت طولانی شان با بکار بردن سیاستهای ترور و اختناق عده زیادی از جوانان آزادی خواه و مشروطه خواهان و جوانان مبارز دیموکرات و ملی را به کشتار گاه ها و زندان های مخوف شان با تعویل وظایف شاقه در درون زندانها سالها نگهداشتند ولی نتوانستند خصلت مردم گرایی و آزاد منشی را دایماً از آنها صلب نماید. بهمین رو ما شاهد جنبشهای مشروطه خواهان، جوانان بیدار، و بالاخره جنبش چپ دیموکراتیک ملی که با تحول نظامی انقلاب ثور ۱۳۵۷ پرثمر شد و تحت زعامت فرزندان صدیق ح د خ ا خاصاً رفیق ببرک کارمل عزیز افغانستان بمرحله نوینی از حیات سیاسی واقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی قرار گرفت میباشیم . دستاورد های این دوره اگرچه باخود کمبودیها و نواقص تاکتیکی و ایدیالوژیکی را درمقطع خاص زمانی و مکانی دارا بود ولی دستاورد های عظیم آنرا نمیتوان بحیث یک انسان حقیقت بین از نظرها دور داشت. این جریان مترقی و دیموکراتیک نیز توسط همان شیوه های استعماری قدیم که "تفرقه انداز و حکومت کن" خدشه دار گردید و دسته های افراطی مذهبی و بنیاد گرایان بتحریک دشمنان سوگند خورده بسطح ملی و بین المللی در راس ایالات متحده امریکا بخاطر بر اندازی آن دست بکار شدند. خون، قتل و قتال، چپاول گریها و اختطاف زنان و کودکان و باتش کشیدن آثار تاریخی آن و تخریب سراسری میهن عزیز ما مولود حاکمیت دسته های مذهبی افراطی در دوره جهادی ها و طالبی ها میباشد که بعد از بدست گرفتن حاکمیت سیاسی بالای مردمان شرافتمند و میهن عزیز ما افغانستان اعمال گردید.

شرایط و احوال کنونی وطن، استقلال و حاکمیت سیاسی وطن را بیک اسم بی مسمی مبدل نموده است . حضور نظامی «ناتو» و حلقات وابسته بآن در سرزمین آزاده ما نمیتواند جز بمفهوم استثمار بنوعی دیگری تعبیر گردد. وضع نا هنجار وطن و عدم ثبات امنیت، بیکاری و ارتشا از سطح پایین تا سطوح بالا و محدودیت های عینی در حقوق سیاسی و اجتماعی زنان غیور افغان، با روحیه قانون و آزادی بشری منافات علنی دارد.

سطح پایین درآمد سالانه مردم و وضع رقت بار شان و عدم موجودیت شرایط لازمه ای زیست به برگشته گان مهاجر افغان بوطن آبایی شان آیا میتواند مفهوم دیموکراسی را به معنای اصل کلمه افاده کند نه هرگز نه !

حضور دسته ها و سازمانهای سیاسی در وطن که بعضاً با خصلتهای چپ دیموکراتیک در شعار، عرض اندام نموده اند نیز نمیتواند بنیازمبرم جامعه افغانی جوابگو باشند زیرا خصلت راستگرا ها و راستگرایی ها همان خصلتی است که منشه آنرا جز در زد و بند با ارتجاع نمیتوان در چیز دیگری سراغ کرد ولی خوشبختانه جوانان بیدار وطن چون نیاکان شان و چون رهبران آزادی بخش شان در راه نیل باستقلال واقعی سیاسی و ملی در هر شرایطی زیست، از غم و درد وطن و وطنداران شان دور نبوده و همیشه آنرا در سر خط اول وظایف شان قرار داده و بخاطر تحقق آن در هر شرایط و موقف چه

اختناق و ترور چه ساکن در خاک و چه هجرت و چه آزاد و چه در قید زندان از مبارزه دست نکشیده اند. امروز که خوشبختانه هشتاد و هشتمین سالروز استرداد استقلال میهن عزیز در وطن و خارج از آن تجلیل میگردد ما شاهد شکل واقعی جریانهای چپ دیموکراتیک ملی چه در داخل کشور و چه خارج از آن میباشیم. این جریان های واقعی نهضت چپ که با شکل فرزندان صدیق و راستین وطن که در عرصه های مبارزه بخاطر نجات وطن و مردم غیور افغانستان عزیز و سربلند از کوره های آتشین چون آبدیده فولاد بدر آمده اند و باین نهاد های سیاسی متشکل اند میتوانند آرمانهای دیرینه انسانی میهن را که همانا ایجاد جامعه مرفه و شگوفان و فارغ از هر نوع ستم ملی متکی بر حق حاکمیت ملی در همه عرصه های حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد برآورده سازند. من باور و یقین کامل دارم که دیگر مردم شرافتمند ما تحت پوشش انحرافات دین و مذهب و خطر کفر و الحاد بازی ارتجاع و حلقات وابسته بانرا نمیخورند چه تاریخ وطن که مملو از این دسایس بخاطر نابودی جنبش های ملی و دیموکراتیک بوده است خود درسی خوبی به هم میهنان عزیز ما میباشد. در اخیر یکبار دیگر سعادت واقعی و حیات مرفه و عاری از هر نوع استثمار برای مردم و خلق ستمدیده ما خواسته و وحدت و همبستگی همه جریانات واقعی چپ دیموکراتیک و بسیج خلقهای رنجدیده ای وطن را بدور آن بخاطر نجات وطن و مردم در این روز خجسته ای تجلیل از هشتاد و هشتمین سالروز استقلال ملی از خداوند متعال آرزو میدارم .

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)